بلاروس زیر ذره بین آمریکا

نوشته: ماکس مورنی ترجمه: پوراندخت مجلسی

دولت آمریکا مخالفان لوکاشنکو را در بلاروس سازماندهی می کند

در ۱۹ مارس ۲۰۰۶، «الکساندر لوکاشنکو» برای بار دوم و تقریباً با ۸۳ درصد آرای مردم به ریاست جمهوری بلاروس انتخاب شد. نتیجه انتخابات، همه نظرسنجی های پیش از انتخابات را مورد تأیید قرار داد که پیش بینی می کردند او با رأیی بسیار بالاتر از رقیب خود، انتخاب خواهد شد. این امر مانع از آن نشد که کشورهای سلطه گر غربی و رسانه های وفادار به آنها، ادعا کنند که در انتخابات تقلبی شده است. آنها تقاضای ابطال انتخابات را کردند و خواهان برگزاری انتخابات جدیدی با اصول «دموکراتیک» شدند. «جرج بوش» رئیس جمهوری آمریکا، لوکاشنکو را «آخرین دیکتاتور اروپا» نامید و وزیر خارجه اش «کاندولیزا رایس» هم بلاروس را لقب «پایگاه استبداد» داد. در ضمن بلاروس تقریباً به بالای فهرست کشورهایی که نوبت دگرگونی ساختار سیاسی شان رسیده است، تغییر مکان داد.

در روزهای پس از انتخابات گروههای مخالف لوکاشنکو، که بودجه شان را خارجی ها تأمین می کنند، تظاهراتی در مینسک، پایتخت بلاروس برپا کردند و خواهان برکناری لوکاشنکو شدند. این اعتراض ها به این منظور ترتیب داده شده بودند که بی ثباتی و تزلزل ایجاد کنند و مشروعیت انتخابات را زیر سؤال ببرند.

در ۲۴ مارس، بوش پشتیبانی خود را از تظاهر کنندگان معترض اعلام کرد و اظهار داشت که دولت ایالات متحده به حمایت خود از مردم بلاروس و همه کسانی که کمک می کنند این کشور جای شایسته خود را در جامعه «دموکراتیک» بیابد، ادامه خواهد داد. رسانه های ایالات متحده و متحدان اروپایی اش، پوشش سخاوتمندانه ای به اعتراض های از پیش طراحی شده گروههای مخالف دادند. تظاهر کنندگان، که بیشتر، از مردم طبقات ممتاز بودند، هر کار ممکن را انجام دادند تا برای رسانه ها تصویری از «سرکوب» وحشیانه پلیس بلاروس را برای به هم زدن تظاهرات، فراهم کنند. ولی این تلاش ها غالباً با شکست مواجه شد. پلیس بلاروس از این دام گریخت و روزنامه های سرمایه داری را از چنین تصویر هایی که می توانست برای تحریک افکار عمومی ضدلوکاشنکو به کار رود، محروم کرد.

گروههای مخالف دولت در بلاروس ۱۰ میلیون نفری به رغم ماهها طرح ریزی و دریافت حمایت های مالی وسیعی از خارج، تنها توانستند ده هزار نفر را برای روز انتخابات بسیج کنند که در تظاهرات بعدی به تدریج کمتر شد و به تنها چندصد نفر رسید. خارج از حلقه تظاهرات، این اعتراضها از طرف مردم معمولی پشتیبانی نشد. ماهها پیش از انتخابات، برای همه بدیهی و روشن بود که لوکاشنکو برنده انتخابات است. نظرسنجی هایی که به وسیله سازمانهای گوناگون انجام شد، از جمله آنهایی که به وسیله انستیتوی جهانی جمهوریخواهان و سایر منابع غربی تأمین مالی شد، نشان داده بودند که لوکاشنکو با فاصله زیاد، محبوب ترین نامزد انتخاباتی است.

> هدف واشنگتن در بلاروس برگزاری انقلاب رنگینی بود که در سایر جمهوری های سابق شوروی نیز صورت گرفت اما گروههای مخالف دولت مینسک چه در انتخابات و چه در تظاهرات اخیر با وجود حمایت های مالی وسیع خارجی موفق به جذب گروه ناچیزی از مردم شدند

آمریکا برای بلاروس طرح «انقلاب» می ریزد

هدف واشنگتن در بلاروس برگزاری انقلاب رنگینی بود که در سایر جمهوری های سابق شوروی نیز صورت گرفت. طی چندسال گذشته کاخ سفید از به نمایش درآوردن تظاهرات خیابانی بهره جسته بود تا دولتهای اوکراین، گرجستان و قرقیزستان را بی ثبات کند. این «انقلاب»ها به ترتیب، «انقلاب نارنجی»، «انقلاب مخملی» و «انقلاب گل لاله» لقب گرفتند و در همه آنها نامزد طرفدار آمریکا به قدرت رسید. دولت آمریکا همان نقشه را برای بلاروس هم داشت. «دیوید جی کرامر» معاون مسائل اروپایی - آسیایی وزارت خارجه آمریکا در دیدار خود از بلاروس در ماه فوریه، از این نقشه پرده برداشته بود. او همه طرفها را به اجتناب از خشونت در انتخابات آینده دعوت کرد ولی اظهار داشت نامزدی که از امکانات دولتی برخوردار است، مسؤلیت بیشتری دارد زیرا نیروهای امنیتی و سلاح و باتون و گاز اشک آور وغیره در اختیار دارد. در پاسخ اظهارات کرامر، «آندره پوپوف» سخنگوی وزارت خارجه بلاروس گفت: «فقط می توان از اصرار این نماینده وزارت خارجه آمریکا بر احتمال عملیات اعتراضی خشونت آمیز در ضمن مبارزات انتخاباتی اظهار شگفتی کرد. برای کسانی که در بلاروس زندگی می کنند کاملاً روشن است که این اظهارات پایه و اساسی ندارد. همه شاهد این هستند که مبارزات انتخاباتی با آرامش و در چارچوب قانون در جریان است.» پوپوف اصرار ورزید که ایالات متحده از اتهام درباره خشونت احتمالی در انتخابات بهره برداری می کند.

جرم بلاروس: مقاومت در برابر خصوصی سازی

البته تاریخچه ای در پس دشمنی ایالات متحده نسبت به بلاروس وجود دارد. بلاروس یکی از پایه گذاران جمهوریهای متحد جمهوری سوسیالیستی شوروی بود و نخستین منطقه ای بود که مورد هجوم آلمان نازی قرار گرفت. در طول مدت اشغال تا سال ۱۹۴۴، اشغالگران آلمانی تخمیناً ۳ میلیون از مردم بلاروس را کشتند و بیشتر زیربنای اقتصادی این کشور را از بین بردند. تنها در سال ۱۹۷۱، یعنی ۲۶ سال بعد از پایان جنگ، جمعیت بلاروس به سطح قبل از جنگ رسید.

بعدها بلاروس یکی از مراکز صنعتی اتحاد شوروی شد و دارای رفاهی نسبی بود. با فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱، رفرم های سرمایه داری به سراسر جمهوریهای شوروی بسط یافت. صنایع و زمین های دولتی، خصوصی شدند و به سرمایه داران خارجی و داخلی به بهایی بسیار ارزان و تقریباً مفت فروخته شدند. خصوصی سازی و تعطیل کارخانه ها با این بهانه که امکان سوددهی کافی ندارند، توده های بزرگی از کارگران را بیکار کرد و در استانداردهای زندگی افت عظیمی را به وجود آورد. همین بلا بر بلاروس هم نازل شد. از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵، با پشتیبانی سازمانهای بین المللی - طبق خلاصه پرونده بانک جهانی در سال ۲۰۰۳ در مورد این کشور - بلاروس دوره مقدماتی اصلاحات را برای ورود به اقتصاد بازار اجرا کرد. در این دوره، کل تولید داخلی طبق برآوردی ۴۰ درصد کاهش یافت. در گزارش بانک جهانی آمده است که «ولی دولت بلاروس از اواخر ۱۹۹۵ به بعد، درصدد دور نگاه داشتن مردم خود از رنجهای رفرم برآمد و به حمایت و حفظ مشاغل و دستمزدها پرداخت. مینسک کنترل بیشتر منابع تولیدی را در اختیار گرفت و سهم قابل توجهی از کل درآمد تولید داخلی (GDP) را به هزینه های اجتماعی و یارانه ها اختصاص داد و رفرم های مربوط به بازار بسیار محدود شد.»

از سال ۱۹۹۴ که لوکاشنکو به ریاست جمهوری انتخاب شد، بلاروس خصوصی سازی را متوقف کرد و برای حفظ برنامه ها و زیربنای اجتماعی اقدام به بهره برداری از منابع کشور کرد. بانک جهانی، نتیجه را اینگونه شرح می دهد: «این کشور بسیاری از جنبه های اقتصاد با برنامه را حفظ کرده است. این کار را با استفاده از کنترل قابل توجهی بر عوامل تولید و بر تصمیم گیریهای بنگاههای اقتصادی، وضع مالیات های سنگین، توزیع مجدد بودجه برای هزینه هایی که هدف آن حمایت از استخدام و از شرکت های قدیمی است، به انجام رسانده است. بخش کشاورزی، عمدتاً بدون تغییر (رفرم) باقی مانده است، مؤسسات کوچک و متوسط کمترین پیشرفت را کرده اند و سهم قابل توجهی از کل تولید داخلی به هزینه های اجتماعی اختصاص یافته است.»

در ۱۹۹۵ صندوق بین المللی پول و بانک جهانی دادن وام به بلاروس را متوقف کردند با استناد به اینکه این کشور از اجرای رفرم های بازار آزاد امتناع می کند.

اقتصادی مستحکم

این سیاست که بلاروس را از لحاظ مالی منزوی کنند، نتیجه معکوس داد. دولت نه تنها مانع از ایجاد بحران مالی و اجتماعی شد، اقتصاد آن رونق هم یافت. از سال ۱۹۹۶، اقتصاد آن رونق هم یافت. از سال ۱۹۹۶، اقتصاد به دوره ای باثبات و محکم وارد شده است که دارای گسترشی با میانگین رشد سالیانه ۶/۶ درصد است. (بانک جهانی «بلاروس: موضوع گسترش رقابت و حفظ رشد اقتصادی» نوامبر ۲۰۰۵) در حالی که سایر جمهوری های سابق شوروی، دچار افت اقتصادی شده بودند، رشد اقتصاد بلاروس ادامه داشت. در سال ۲۰۰۳ نرخ رشد اقتصادی این کشور ۷ درصد بود که در سال ۲۰۰۴ به رشد بهت آور ۱۱ درصدی افزایش یافت. شاخص های اجتماعی و بهداشت نشان می دهد که رشد اقتصادی بلاروس به بهبود تحسین برانگیز استانداردهای زندگی منجر شده است. بلاروس کمترین سطح فقر را در منطقه داراست. ۲ درصد، در مقایسه مثلاً با ۱۱/۵ درصد لاتویا (لتونی) و ۲۱/۴ درصد اوکراین. (گزارش بانک اروپایی برای بازسازی و پیشرفت ـ ۲۰۰۵) بلاروس کمترین نرخ مرگ ومیر کودکان را در منطقه دارد: ۶/۹ مرگ در هر ۱۰۰۰ کودک. این کشور ۶/۱ درصد بودجه خود را برای آموزش و پرورش و آموزش حرفه ای هزینه می کند و ۴/۹ درصد کل درآمد تولید داخلی خود را برای بهداشت ـ که در منطقه بیشترین نرخ را داراست. (سالنامه آماری سازمان ملل ـ ۲۰۰۵) نه تنها پیشرفت اقتصاد ملی بلاروس مانعی برای نفوذ سرمایه کشورهای بزرگ سرمایه داری ایجاد می کند بلکه نمونه و سرمشقی است برای مردم منطقه و دلیلی است بر مردود بودن تبلیغات سرمایه داری که مدعی است تنها راه دارا بودن اقتصاد پررونق و شکوفا، تسلیم به خواسته های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، گشودن اقتصاد ملی به روی سرمایه بین المللی و تسلیم در برابر رقابت «آزاد» است.

تلاش برای ترور شخصیت لوکاشنکو

تلاش های کشورهای سلطه طلب سرمایه داری علیه پیشرفت های ملی بلاروس بدون نسبت دادن معمول و مرسوم شرارت و دیوصفتی به رهبر آن، نمی تواند کامل باشد. «دیکتاتور»، «خودرأی»، «ستمگر» بعضی از معمولی ترین اصطلاحات برای توصیف لوکاشنکو بوده است. این شخص که انواع و اقسام صفت های شریرانه به او نسبت داده می شود در سال ۱۹۹۰ به سمت مشاور عالی جمهوری بلاروس برگزیده شد. در دسامبر ۱۹۹۱ تنها عضو پارلمان بلاروس بود که علیه فروپاشی اتحاد شوروی رأی داد. در سال ۱۹۹۴، وقتی بلاروس در بازار «آزاد» اقتصاد سرمایه داری غوطه می خورد، لوکاشنکو مبارزه ای را علیه فساد و برای حفظ مشاغل و منافع عمومی مردم به راه انداخت. او در آن سال با ۸۰ درصد آرای مردم، در انتخابات پیروز شد.

پشتیبانی کاخ سفید از گروه های مخالف

در انتخابات مارس ۲۰۰۶، شناخته شده ترین نامزد انتخاباتی گروه مخالف (اپوزیسیون)، «الکساندر میلینکوویچ» بود؛ ولی او در نظرسنجی های پیش از انتخابات رأی بسیار پایینی داشت و محبوبیت اش بارها عددی یک رقمی را نشان می داد. با این که میلینکوویچ از پشتیبانی داخلی بی نصیب است ولی با پشتیبانی سرمایه داران غربی، نداشتن حمایت داخلی را جبران می کند! در آوریل ۲۰۰۵ میلینکوویچ با «کاندولیزا رایس» وزیر خارجه آمریکا ملاقات کرد. رایس او را از پشتیبانی واشنگتن مطمئن ساخت و توصیه کرد گروه های مخالف دولت همه پشت سر او جمع شوند.

تنها در سال ۲۰۰۶ دولت بوش ۱۲ میلیون دلار برای گروه های مخالف در بلاروس اختصاص داد (نیویورک تایمز ۲۶ فوریه ۲۰۰۶). میلینکوویچ و سایرین سهم سخاوتمندانه ای از این هدیه ملی آمریکا برای دموکراسی و سازمان های مشابه اروپایی دریافت کردند. اتحادیه اروپا ۲/۴ میلیون دلار برای بخش برنامه های ضددولتی در بلاروس هزینه کرده است. بین مشاوران ارشد آمریکایی، میلینکوویچ، از خدمات «تری نلسون» که مبارزات انتخاباتی «جورج بوش» را هدایت می کرد، بهره می گیرد.

سلطه طلبی و دموکراسی

اگرچه پشتیبانی مالی و حمایت از گروه های سیاسی در سایر کشورها مخالف قوانین بین المللی است، این امر مانع کشورهای سلطه طلب غربی نشده است تا هر کجا که لازم است اقدام به تأمین بودجه گروه های مخالف کرده و به بی ثباتی و آشوب به خاطر منافع طبقاتی خود دامن بزنند. واشنگتن و متحدان اروپایی اش اشاره هایی داشته اند مبنی بر اینکه علیه بلاروس مجازات هایی را اعمال خواهند کرد و این کار را با ممانعت از مسافرت لوکاشنکو و مقامات ارشد او و حتی بعضی از روزنامه نگاران به خارج از کشور، شروع کرده اند. سایر اقدام های قانونی و غیرقانونی نیز برای فشار بیشتر به مردم بلاروس و وادار کردن آنها به اطاعت و تسلیم، اجرا خواهد شد. اما مردم بلاروس این تهدیدها را تاب آورده اند و در مقابل فشار کشورهای سلطه جو مقاومت کرده اند و از تسلیم به فرمان های سرمایه جهانی شده امتناع ورزیده اند. آنچه به دست آورده اند، دلیلی است برای خشم و تهدید کشورهای سرمایه داری.

مجله سوسیالیسم و آزادی

«تونی بلر»، تلاش در سراشیبی؟

رسانه های انگلیس از «تونی بلر» با عنوان سیاستمداری یاد می کنند که شکست را برنمی تابد، اما وی در انتخابات روز پنجشنبه شوراهای محلی انگلیس بازنده شد.

نتیجه انتخابات روز پنجشنبه شوراهای محلی انگلیس نشانه ای از قرارگرفتن بلر در سراشیبی است و به قول برخی رسانه های انگلیسی «تایتانیک» بلر در حال غرق شدن است.

اشاره این رسانه ها به کشتی بسیار بزرگ مسافربری انگلیسی است که در سال ۱۹۱۲ میلادی بر اثر برخورد با یک کوه یخی غرق شد.

علاوه بر رقیبان بلر از احزاب مخالف، پنجاه نفر از هم حزبی های وی نیز با امضای نامه ای و توزیع آن در پارلمان، خواستار استعفای وی از سمت نخست وزیری شده اند.

«آنتونی چارلز لینتون» که مردم او را به نام «تونی بلر» می شناسند، در واکنش به شکست در انتخابات محلی، روز جمعه به ترمیم کابینه دست زد و «جک استرا» وزیر خارجه و «چارلز کلارک» وزیر کشور دو قربانی اصلی این تغییر بودند.

بلر سیاستمدار ۵۳ ساله دانش آموخته «آکسفورد» در رشته حقوق و شاگرد «آنتونی گیدنز» جامعه شناس سرشناس انگلیسی است که از سال ۱۹۹۷ در سه دوره انتخابات سراسری بریتانیا حزبش به پیروزی رسیده است.

انتخابات شوراهای محلی انگلیس اگرچه همچون انتخابات سراسری مجلس عوام نقش تأثیرگذاری در هرم قدرت ندارد، اما شکست در آن نشانه ای از ناکامی های بیشتر در آینده است.

حزب کارگر انگلیس سومین دور انتخابات سراسری را در اردیبهشت ماه سال گذشته با پیروزی پشت سرگذاشت و تا انتخابات آینده چهار سال قدرت را در دست خواهد داشت.

بسیاری از تحلیلگران معتقد بودند که بلر در اواسط دومین دوره نخست وزیری خود و با دست زدن به قمار شرکت در جنگ عراق به سراشیبی گام نهاده و نه تنها خود، بلکه حزب کارگر را نیز با خود به شکست می کشاند.

تونی بلر هنگامی که نزدیک به ۷۰ درصد مردم انگلیس مخالف شرکت این کشور در جنگ عراق بودند و راهپیمایی میلیونی مخالفت با جنگ را در خیابانهای لندن برگزار کردند، در تلویزیون ظاهر شد و از مردم خواست که به او اعتماد کنند و اجازه دهند که نخست وزیرشان تصمیمی متفاوت با نظر آنان بگیرد.

اما پس از جنگ زمزمه ها شروع شد، پیدا نشدن جنگ افزار هسته ای در عراق، خودکشی مشکوک دکتر «دیوید کلی» کارشناس تسلیحات کشتار جمعی که معتقد بود درباره وجود این سلاح ها در عراق مبالغه شده است، کشته شدن گروگانهای انگلیسی و مرگ شماری از سربازان بریتانیا در عراق، یک به یک ضربه های خود را به بلر و حزب کارگر وارد کرد.

جوانان انگلیس حزب کارگر را به گروه موسیقی «اوسیس» و تونی بلر را به «نوئل گالاگر» خواننده این گروه بسیار شبیه می دانند، زیرا هم بلر و هم گروه اوسیس در سال ۱۹۹۷ بسیار عالی وارد صحنه شدند اما اکنون هر دو تنزل کرده اند.

با این حال بلر در سال ۱۹۹۷ و در جوانی توانسته بود به ۱۸ سال حاکمیت پیاپی محافظه کاران پایان دهد و در انتخابات سال ۲۰۰۵ پیروزی خود را برای سومین بار تکرار کرد.

بلر پیشتر در پاسخ منتقدان هم حزبی خود وعده کرده بود که پس از پیروزی در انتخابات سراسری آینده (چهار سال دیگر) قدرت را به دیگری می سپارد و این دیگری «گوردون براون» وزیر دارایی و مرد شماره ۲ حزب کارگر است.

با این حال شکست حزب کارگر در انتخابات شوراهای محلی و رسوایی برخی از اعضای کابینه بلر که گزارشهای آن در دو هفته گذشته درصدر اخبار رسانه های انگلیس قرار گرفت، چشم انداز خوشایندی را در برابر نخست وزیر انگلیس قرار نمی دهد.

برکناری دو وزیر کلیدی کابینه یعنی وزیران خارجه و کشور و جایگزین کردن دو سیاستمدار «مطیع» به جای «جک استرا» و «چارلز کلارک» نشان می دهد که دوچالش عمده نخست وزیر انگلیس یعنی سیاست خارجی و امنیت داخلی همچنان نخست وزیر انگلیس را آزار می دهد و بلر قصد دارد خود نقش پررنگتری در این دو حوزه ایفا کند.

در تغییرات جدید «جان رید» که تا روز پنجشنبه وزیر دفاع بود و از او با عنوان «آجار فرانسه» و کار راه انداز کابینه انگلیس یاد می شود، به جای کلارک مسؤولیت وزارت کشور را بر عهده گرفته است.

آمدن «جان رید» به وزارت دفاع نشان می دهد که سیاست دولت انگلیس در حوزه امنیت داخلی که کلارک آن را دنبال می کرد، ادامه می یابد و تاکتیک های دولت برای افزایش امنیت که نهادهای مدنی مدافع آزادی بیان و حقوق بشر آنها را محدودکننده آزادی و مغایر حقوق بشر می دانستند، ادامه می یابد.

اما در حوزه سیاست خارجی، پیام آشکار رفتن استرا و نشستن «مارگارت بکت» وزیر پیشین محیط زیست به جای او، از نزدیک شدن هرچه بیشتر سیاست خارجی لندن به واشنگتن حکایت دارد.

اگرچه بلر و استرا و بارها وجود اختلاف نظر میان خود را درباره نحوه رفتار لندن با تهران در بحث برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران رد کرده بودند، اما رفتن استرا و عمق این شکاف را نمایان ساخت. این تغییر همچنین نشان می دهد که استرا در میان اعضای حزب کارگر که به سیاست های رهبری آن انتقاد دارند و شمار آنها هر روز افزایش می یابد، جایگاهی می جوید.

بلر هفته گذشته نهمین سالروز نخست وزیری اش را پشت سر گذاشت و روز جمعه با ترمیم کابینه و برخی جابه جایی ها تلاش کرد فصل جدیدی را ورق بزند، فصلی که شماری از ناظران تحولات انگلیس از آن به عنوان «تلاشی در سراشیبی» یاد می کنند.

برگه اشتراک ویژه تهران

موسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
ایران

موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران برای تمامی نشریات در حال انتشار خود مشترک می پذیرد
علاقه مندان به اشتراک و دریافت روزانه هر یک از نشریات روزنامه ایران شامل: روزنامه ایران، - روزنامه ایران ورزشی، روزنامه ایران دیلی (انگلیسی زبان)، روزنامه الوفاق (عربی زبان)، روزنامه ایران سپید (ویژه نابینایان) و ماهنامه ایران آذین می توانند پرسشنامه زیر را تکمیل و بر اساس جدول مندرج در آن هزینه اشتراک خود را به حساب جاری سیبا ۰۱۱۰۱۲۳۴۰۰۹ به بانک ملی شعبه کسری کد ۱۸۵ به نام «موسسه شهرستانهای ایران» 0101101242009 پرداخت کرده و اصل رسید را به همراه پرسشنامه تکمیل شده با پست سفارشی به نشانی: تهران، تقاطع مطهری و سهروردی شمالی، کوچه بیشه، شماره ۹ اداره مشترکین ارسال نمایند.

نام: نام خانوادگی: تاریخ تولد: / /
نام شرکت یا موسسه:
نشانی:
کدپستی الزامی است: تلفن تماس: تعداد و نام نشریه مورد تقاضا:
نوع درخواست: اشتراک جدید: ☐ تمدید اشتراک: ☐

هزینه اشتراک نشریه مورد تقاضا	۳ ماهه (ریال)	۶ ماهه (ریال)	یک ساله (ریال)
ایران	☐ ۵۵/۰۰۰	☐ ۱۱۰/۰۰۰	☐ ۲۲۰/۰۰۰
ایران ورزشی	☐ ۷۰/۰۰۰	☐ ۱۴۰/۰۰۰	☐ ۲۸۰/۰۰۰
ایران دیلی	☐ ۷۰/۰۰۰	☐ ۱۴۰/۰۰۰	☐ ۲۸۰/۰۰۰
الوفاق	☐ ۷۰/۰۰۰	☐ ۱۴۰/۰۰۰	☐ ۲۸۰/۰۰۰
ایران سپید	☐ ۹۷/۵۰۰	☐ ۱۹۵/۰۰۰	☐ ۳۹۰/۰۰۰
ایران آذین	☐ ۳۵/۰۰۰	☐ ۷۰/۰۰۰	☐ ۱۴۰/۰۰۰

مشترک شماره: شروع اشتراک: پایان اشتراک:
شماره مجوز: تاریخ پرداخت:

تذکر: ۱- ارسال نشریه برای درخواستهایی که تا دهم و بیستم هر ماه به امور مشترکین برسد به ترتیب از شانزدهم آن ماه و اول ماه بعد آغاز می شود.
۲- هزینه اعلام شده بابت یک نسخه و یک نوع نشریه است.
۳- لطفاً رسیدهای پرداختی پستی را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگهدارید.
۴- در صورت تغییر نشانی، امور مشترکین را مطلع نمایید.
۵- تلفن های امور مشترکین موسسه ایران ۸۸۴۱۵۸۶۶ و ۸۸۴۱۷۷۱۵ ساعت تماس (۱۶-۸)، تلفکس: ۸۸۴۱۰۶۷۳.
۶- برای تمدید اشتراک فقط کافیست بر روی فیش بانکی کد اشتراک خود را نوشته و با شماره ۸۸۴۱۰۶۷۳ فاکس و یا به نشانی فوق ارسال نمایید.
۷- نوشتن کدپستی دقیق الزامی است در صورت دادن اطلاعات نادرست و ناقص عواقب آن به عهده مشترک می باشد.
۸- مشترکین محترم می بایست شروع اشتراک و پایان اشتراک و همچنین کد اشتراک خود را به یاد داشته تا پیگیری امور مربوط به آنها آسان گردد.
۹- در صورت عدم دریافت نشریه در اولین روز اشتراک مراتب را به اداره مشترکین اطلاع دهید در صورت عدم اطلاع به منزله دریافت تلقی می شود.
۱۰- مشترکین محترم در صورت تمایل به تمدید مجدد می بایست ۱۰ روز قبل از اتمام تاریخ اشتراک فیش بانکی را به همراه کد اشتراک به اداره مشترکین فاکس و یا به نشانی فوق پست نمایند. در صورت عدم تمدید در فاصله تعیین شده به منزله انصراف از اشتراک در نظر گرفته می شود.
۱۱- مشترکین محترم می توانند همزمان با تکمیل فرم اشتراک به عضویت باشگاه خوانندگان روزنامه ایران درآیند و از مزایای آن استفاده کنند. در صورت تمایل موافقت خود را اعلام فرمایید. موافقم ☐ موافق نیستم ☐

اداره مشترکین - موسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران